



درس ششم

فداکاران



بند ۱) همیشه انسان‌های بزرگ و فداکاری هستند که برای نجات جان دیگران یا کمک به هم‌نوعان، جان خود را به خطر می‌اندازند؛ به همین سبب نام و یاد این افراد فداکار، در ذهن مردم، جاودانه می‌ماند.

بند ۲) از این‌گونه انسان‌های بزرگ و افتخارآفرین، در هر کشوری، بسیار هست. در کشور بزرگ ایران نیز مردان و زنان، حتی کودکان و نوجوانان

فداکار، فراوانند. زندگی این انسان‌ها، سرمشق و چراغ راه ماست.

بند ۳) آیا تاکنون نام شهید سپه‌ام ختام، شهید محمد حسین فمیده، ریزعلی خواجوی و حسن امیدزاده را شنیده‌اید؟





بنده سهم ختام، دختر دوازده ساله ای بود که در شهر هویزه زندگی می کرد. او دختری درس خوان و باهوش بود. سهم دوره ی دبستان را با موفقیت به پایان رساند و با اشتیاق در کلاس اول راهنمایی ثبت نام کرد؛ ولی به علت آغاز جنگ تحمیلی و اشغال شهر، نتوانست به مدرسه برود. سهم از اینکه شهر و مدرسه اش را در جنگ دشمن می دید، آرام و قرار نداشت و با هر وسیله ای می خواست جلوی دشمن را بگیرد. سرانجام در پانزدهم مهر ماه ۱۳۵۹، رگبار گلوله ی اشغالگران، سهم را به آغوش خدا رساند.

بنده محمد حسین فمیده، نوجوان فداکاری بود که نارنجک به کمر بست و در زیر زنجیرهای تانک دشمن، جان خود را فدا کرد تا از پیشروی آنان به سوی خاک ایران جلوگیری کند. هنگامی که خبر شهادت دلیرانه ی او پخش شد، امام خمینی «قَدَسَ سرُّه» فرمودند: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله ای است که با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت.»

بند اول در غروب یک روز سرد پاییزی، وقتی ریز علی
خواجوی از مزرعه به خانه برمی گشت، متوجه شد که بر
اثر ریزش کوه، مسیر حرکت قطار، بسته شده است.
در این هنگام، صدای آمدن قطار، در کوه پیچید.
ریز علی به سرعت، پیراهنش را به چوب دستی
بست، نفت فانوسی را که به دست داشت، روی



آن ریخت و آتش زد و به سمت قطار دوید. راننده ی قطار، با دیدن آتش،
قطار را نگه داشت و جان مسافران قطار از مرگ حتمی، نجات یافت.
بند دوم (حسن امیدزاده، معلم فداکاری بود که در یک واقعی آتش سوزی،
جان دانش آموزان را نجات داد. وقتی بخاری کلاس، آتش گرفت و
دودکش آن افتاد، دانش آموزان در میان شعله های آتش و دود، گرفتار
شدند. این معلم شجاع و فداکار، جان خود را به خطر انداخت و عده ای از
دانش آموزان را نجات داد.)

بند سوم اما به این گونه دانش آموزان، دهقانان و معلمان فداکار، افتخار می کنیم؛
آنان انسان های بزرگی هستند. اگر به کوچه ها و خیابان های شهرها و
روستاها نگاه کنید، نام این انسان های شریف و فداکار را می بینید.
بند چهارم اما به این انسان های بزرگ و دوست داشتنی، احترام می گذاریم و
می گوئیم تا از آن ها سرمشق بگیریم.)



فانوسی

درسست و نادرست

۱. ریز علی چیزی برای آتش زدن نداشت. ✗

۲. حسن امیدزاده، اهل هویزه بود. ✗

درک مطلب

۱. رفتار شهید خیام و شهید فهمیده، چه شباهتی با هم داشتند؟ هر دو نوجوانان فداکاری بودند.

۲. غیر از افرادی که نام آن‌ها در درس آمده، چه کسانی را می‌شناسی که با فداکاری

خود، به دیگران کمک کرده‌اند؟ شهید بابایی و سردار قاسم سلیمانی